

امام در تشیع علوی اسوه و الگوی والای راه یافتن بکمال و تعالی و رهیدن از بندها و وابستگی های مانع مسیر تکاملی بسوی الله است و بحق حیات و ممانت و زندگی و تفکر و اندیشه تک تک امامان جنین بوده است . امام موسی کاظم اسوه نقوی و اخلاقی نوحیدی و مجاهدت و مقاومت بود ، زندان و شکنجه و شهادت هرگز درآوردن استوار و یقین و تعهد و رسالتش کوچکترین خللی وارد نداشت . در روز شهادتش آرزو میکنیم که رهروان و پیروان صدیقی و صالحی بر مکتب و اصول و شیوه های آن امام شهید باشیم .



فَلَا تَحْزَبُنَا كَذِمْنَا سَطْرَ الْبُكْرِ سَهْدًا عَلَيَّ وَالْمَاسِيْنَ بِكُلِّ رَسُوْلٍ عَلَيْنَا سَهْدًا

آراهه تکامل تاریخ و ضرورت انسان سوی خدا

کاروان بشریت در راه دنوار و بر موج و خم خود بسوی الله ، با موج بسطاری روبروست . سروه های ضد - تکاملی و بازدارنده - دشمنان حرکت تکاملی انسان قدم بقدم راه آن کاروان بر خلاصی و حسی باید بر او سد میکنند و با انواع سلاحها و خدمه های کس می - نشینند و او را سواره می طلبند . انسان ها با چار در این سواره سربست - غرض استعدادهای خدا داد را بکنک می طلبند

بقیه در صفحه ۲

### مسلمین بعد از فتح، انقلابیون بعد از انقلاب و

## خط امام

ویژگیهای خط امام با ویژگیهای انقلاب ایران، همراه و یکسان است و لذا شاخصی است برای ارزشیابی روشها و سیاستها و قضاوت درباره افراد و نیروها و سازمانها و احزاب.

سنت های خدا در تاریخ و جامعه تغییر ناپذیرند ، اتفاقاتی که در جریان و بعد از هر انقلاب اجتماعی رخ میدهد غالباً قابل تکرارند . مثلاً این حقیقت که در جریان شروع و رشد یک حرکت اجتماعی و فرهنگی که دشمن هنوز قوی و پابرجا بنظر میرسد و پیروزی غیر ممکن یا بسیار بعید و دور از دست ، جز مؤمنان و مبارزان واقعی کمتر کسی در صحنه پیکار شرکت می - جوید . توده ها را که گنگار بگذاریم ، بسیاری یا به همکاری و اتحاد خود با رژیم ادامه میدهند و یا فرصت طلبانه نقش بیطرف را بازی کرده چشم انتظار حوادث و نتایج کار باقی میمانند . اما به هر حال وقتی انقلاب نیرو میگیرد و دشمن رو به هزیمت میگردد ، تعداد بیشتری تسلیم شده و به آن می پیوندند تا سرانجام که بعد از فتح نهائی و شکست کامل دشمن ، اکثریت خاموش و ظاهراً بی تفاوت هم اعلام حمایت و وفاداری و بیعت میکنند . در فرهنگ سیاسی - انقلابی اسلام این گروه یعنی مسلمین بعد از فتح یا انقلابیون بعد از انقلاب را بر طبق نامگذاری پیامبر «طلاقی» می نامند یعنی آزادشدگان ، کسانی که قاعدتاً بی باست به عنوان دشمن و مخالف انقلاب و اینکه تا روزهای آخر خارج از صف مردم بودند ، بازخواست و محاکمه و مجازات شوند ، لکن انقلاب آبرو آزاد اعلام کرده .

مباحث ایدئولوژیک  
دکتر حبیب الله پیمان

## مقوله های اساسی

### مکتب (۳)

قرآن مردم را بدو دسته تقسیم می کند، بعضی از علم تبعیت می کنند و بعضی از ظن و آنانکه علم را فرا راه قرار میدهند، هدایت شده و کسانیکه از ظن پیروی می کنند گمراه اند.

### دوم - علم و فلسفه

قرآن معلومات و معرفتهای غیر علمی را ظن می نامد "مالهم به من علم الا اتباع - الظن" نساء/۱۵۷: آنان بدان علمی ندارند و چیز از گمان خود تبعیت نمیکنند . ظن غالباً شناخت غیر حقیقی است که با واقع واقع چندان هماهنگی و تطابق ندارد و یا فقط بخشی از حقیقت و تمام آنرا در بر گیرد و بیشتر ساخته و پرداخته ذهن می باشد و واقعیتی در خارج از ذهن، بسختی میتوان برای آن جست و شناخت "وذلكم ظنکم الذی ظننتم بریکم اردیکم فاصبحتم من - الخاسرین" فصلت/۲۳: اینصفت پندار شما که به پیرو در گارتان ظن بردید ، نابودتان ساخت پس صبح گردید در حالیکه از زیانکاران بودید و این شناخت غلط و پندارگونه آن گروه سبب گمراهی و نابودی شما گردید . "وظنوا انهم الینا لایرجعون" قصص/۳۹: نداشتند که بسوی ما باز نمیگردند. آگاهی بر واقعیت ، بازگشت بسوی خدا، علم است و تصور عدم بازگشت ظن یا معرفتی غیر حقیقی است . فرعون تصور می کرد که موسی را جادو کرده اند در حالیکه تصور او باطل بود و با واقعیت حال موسی تطابق نداشت . "فقال له فرعون انی لاظنک یا موسی مسحوراً" اسراء/۱۰۱: پس فرعون به وی گفت ای موسی من تو را مسحور (جادو شده) می پندارم . در همین رابطه قرآن مردم را بدو دسته تقسیم می کند ، بعضی از علم تبعیت می کنند و بعضی از ظن . آنانکه علم را فرا راه قرار می دهند ، هدایت شده و کسانی که از ظن پیروی می کنند گمراه اند . قرآن معلومات و معرفت آیندسته را علم نمی داند "مالهم به من علم الا اتباع لظن و ما قتلوه یقیناً" نساء/۱۵۷: آنان نسبت بدان علم ندارند و جز از ظن تبعیت نمی کنند یقیناً" (اول عیسی) را نکشند . در اینجا علم و آگاهی منطبق با واقعیت است ، واقعیت گشته شدن عیسی و ظن اطلاع بیگانه با آن واقعیت است . (یعنی تصور گشته شدن عیسی) . قرآن بقیه در صفحه ۱۰

### بیانیه سیاسی جنبش مسلمانان مبارز درباره اوضاع و تحولات کشور و پیشنهاد اقدام فوری

تساوی این سوهها را بکار برده و می برد : ۱ - تا وقتی آمریکا و متحدین وی در اروپا و زاین به تحول اوضاع در داخل امیدوارند ، مذاکره و سازش را بر هر روش دیگری ترجیح میدهند . زیرا این سیاست مانع از محو کامل بایگانهایی نفوذ آمریکا در داخل ایران و بویژه در منطقه می شود و بالاتر از آن با سازش ، خاصیت و اثر انگیزه انقلاب ایران در سایر ملل از بین خواهد رفت . در حقیقت باید گفت آمریکا و اروپا به منافع درازمدت خود بشتر می اندیشند . به همین جهت از تداوم انقلاب ایران و حفظ جوهر اساسی آن سخت هراسناکند . ادامه حرکت انقلابی و اسلامی ایران دندنها باقی مانده منافع و بایگانهایی و نفوذ بقیه در صفحه ۳

را بحاک مالید و ، درس عبرت انگیزی به قدرت های تجاوزکار و شیطانی داد . خوبی میدانیم که با وجود پیروزی تاریخی ۲۲ بهمن ۵۷ جنبش هنوز مرحله اساسی مبارزه با قدرت استعماری آمریکا و متحدین آنرا پشت سر نگذاشته و ما سخت درگیر یک نبرد سرنوشت ساز با شیطان بزرگ هستیم . در این مبارزه آمریکا از همه روشهای شیطانی که قدرتهای استعماری از قرن ها قبل آزمایش کرده اند ، استفاده می کند : جاسوسی ، خرابکاری ، ایجاد اغتشاش و جنگ ، محاصره اقتصادی ، تجاوز نظامی ، توطئه کودتا ، جنگ روانی و تبلیغاتی ، نفاق افکنی و دهها شیوه پنهان و آشکار دیگر و باید گفت که این دشمن زخمی و غدار برای نابودی انقلاب ایران سام خدا

### چند نکته درباره :

### مجلس

در جریان بررسی اعتبارنامه نمایندگان در کمیسیونهای مجلس نمایانتهای سیاسی بسیاری از نمایندگان ناسازگاری را نشان دادند . اگرچه هنوز برای قضاوت نهایی درباره شکل جناح بندیهای درون مجلس زود است - لکن می شود سیاستها یا تمایلات زیر را در برابر قرار داد : (۱) آندسته از نمایندگان که با رسیدگی عمیق و همه جانبه سوابق سیاسی و اجتماعی اخلاقی نمایندگان موافق نبوده به مدارک موجود در پرونده قضاوت می کردند . این گروه مایل بودند رسیدگی به اعتبارنامه آنها تنها بماند نحوه رای گیری انجام شود و قائل به گذشت و تساهل و نادیده گرفتن سوابق کار سیاسی افراد اند . همین افراد از رو سخن اعتبارنامه حسیرو شفقانی که منیم به داشتن رابطه با سیا بوده و در برابر بررسی سوابق بقیه نمایندگان که در مظان اتهام هستند مقاومت می ورزند . عمده افراد این دسته را لیبیرالها تشکیل میدهند . اگر قرار باشد به این نوع سوابق سیاسی افراد رسیدگی شود ، قطعاً پای تعداد بیشتری میان کشیده میشود . بقیه در صفحه ۱۱

### سالروز شهادت کارگران کوره پزخانه های تهران

رژیم واسسد به امپریالیسم بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ برای مدتی نتواند جلوی طوفانی را توسل به زندان و تبعید و شکنجه و جویدهای دار و میدان های تیر ، امنیت و آرامش قبل از طوفان را که مورد دلخواه اربابان امریکایی بود ، فراهم ساخت . اما این سکوت و سکون چندان نماند و طوفان در راه بود و در آغاز وزیدن . طوفانی که می رفت تا با سیلاب خون شهدای بعد از کودتای ۲۸ مرداد بنیان رژیم ضد مردمی و وابسته را از جا بر کند . در سال ۱۳۳۸ که شش سال از کودتای امریکایی شاه می گذشت ، رژیم مسیر هولناکی در وابستگی اقتصادی ، نظامی و سیاسی به امپریالیسم امریکا طی کرده بود . شرکت در پیمان تجاروارانه بغداد که حلقه های از حلقه های توطئه علیه خلق های منطقه بنشار مبرفت و پیمان دو جانبه نظامی با امریکا ، بحران اقتصادی و اجتماعی ، فشار طاقت فرسای هزینه زندگی بر مستضعفان جامعه هرچه بیشتر ماهیت رژیم شاه را در معرض دید توده های مردم قرار میداد . در این میان کارگران کوره پزخانه های جنوب تهران باخمس و کمینه انقلابی در سینه آفتاب سوزان بیابان های اطراف تهران متشکل میشوند . کارگران کوره پزخانه ها با تمام وجود خود با پوست و گوشت و استخوان استعمار طبقاتی سرمایه داران وابسته به رژیم را احساس می کردند . در راه رهایی از این استعمار و سلطه سرمایه داران داران وابسته را در شکل و مبارزه بر علیه رژیم یافتند . رژیم ابتدا با دسیسه و نیرنگ در پی شکستن وحدت کارگران برآمد و با وعده و وعیدهای بی محتوی میخواست مقاومت آنان را از درون درهم شکند . اتحاد و یکپارچگی کارگران و حقانیت و مظلومیت بیش از شصت هزار انسانی که از ابتدایی ترین امکانات زندگی محروم بودند توطئه های رژیم را خنثی نمود و رژیم دو راه پیش پای خود داشت ، عبارت دیگر کارگران رژیم را بر سر دوراهی همیشگی

### کودکان فلسطینی

به مناسبت روز جهانی کودک

تولد هر کودک فلسطینی میلاد جدیدی از انقلاب در منطقه است

در گذشته از کودکان فلسطین تنها برای یادآوری آوارگی و فقر و دربدری آنها سخن میرفت . اما کودکان امروز فلسطین در متن و بطن انقلابی سخت دشوار و پیچیده ، انقلابی که در یکی از حساس ترین مناطق استراتژیک جهان برای امپریالیسم چه بلحاظ جاهلهای نفت و چه بلحاظ سوخت - الحیثی آتشی افروخته است که نه تنها خرم جهانخواران را فرا خواهد گرفت زندگی میکنند .

### بانشکیل محکمه برای جاسوسان جنایات امریکارا افشاکنیم

بوجود آمده بود هر کدام بر اساس تحلیل ها و بینش خود موضعی را اتخاذ نمودند . از همان ابتدای اشغال لانه جاسوسی ، جریان لیبرالیستی موجود در جامعه بر اساس بینش خاص خود سعی داشت که بنحوی مسئله را از طریق مسالمت آمیز حل نماید مخالفت این جریان بصورت های گوناگون خود را نشان داد . حمله به دانشجویان مسلمان ، دعوت کمینه تحقیق تأیید شده از طرف والد هابم دلال امیر - یالیسم و در فشار گذاشتن دانشجویان برای تحویل دادن گروگانها - که با پیام امام راه سازش با امریکا مسدود گشت - و دعوت رمزی کلارک در رأس یک هیئت ده نفره به بقیه در صفحه ۱۲







# کودکان فلسطینی

بقیه از صفحه ۱

و شکنجه گاههای "موساد" سهم بزرگی را در تحقق آرزوهای خلق فلسطین بدوش میکشند. کذا مایر نخست وزیر اسبق صهیونیستهای اشلگر یکبار در رابطه با، کودکان فلسطینی گفته بود که خواب شناساش را تصور تولد هر یک کودک فلسطینی برستان مسازد و امروز باید گفت که

## ● کودکان فلسطینی در زندانهای صهیونیسم و زیر شکنجه های طاقت فرسانی که بر آنها تحمیل می شود، مفاهیمی چون حقوق بشر و آزادی را که ریاکارانه بر زبان کارتر و دیگر سردمداران امپریالیسم جاری می شود تجربه می کنند

اقدام "موقف آیسر" خود را با این جملات توصیف کرد: "بچه ها مثل من - های سم خورده از بالا جلوی پای ما می افتادند، سندان بین هفتاد ده سال بود. هنگی بعد از برش با باهای شکسته روی زمین دراز شده بودند" این برنامه بهمین شکل در مدرسه بیت صحرور نیز انجام گرفته است.

تولد هر کودک فلسطینی میلاد جدیدی است از انقلاب در منطقه و جا دارد که کارتر و سادات و بکین این سخنگوسان امپریالیسم و صهیونیسم از تولد هر کودک فلسطینی خواب آشفته ببینند. میلاد هر کودک فلسطینی در شرایط انقلابی حاکم بر سرزمینهای اشغال شده فلسطینی، میلاد است که در میان بمب و نارنجک و باروت و خون شکسته میشود، میلادی است که شناسنامه آن با خون شهیدان انقلاب فلسطین و بنام خلق فلسطین بنویسد.

صهیونیسم و امپریالیسم نازها و بارها بر زبان رانده اند که "خلق فلسطین یعنی چه چنین چیزی وجود خارجی ندارد کودکان شکنجه شده و معلول انقلاب و کودکان شهید انقلاب موجودیت و هویت خلق فلسطین را تعبیر میکنند.

کودکان فلسطین انقلاب را از همان سالهای آغاز تحصیل در مدارس تجربه می کنند، در اولین روزهایی که با فم و کاغذ آشناسی شوند نام فلسطین راموسوند و برچم فلسطین را نقاشی میکنند. کلاسهای درس آنان که هر یک سنگری است در پشت جبهه انقلاب همیشه مورد بوش و تهاجم اشغالگران بوده است در گزارش از جمله ناچوان مردانه صهیونیسم به مدرسه بیت جلا" که در تقیبت اعتراض کودکان و نو جوانان فلسطینی به اشغال سرزمینهایشان صورت گرفت چنین آمده است. سربازان مهاجم اسرائیلی وارد مدرسه میشوند و پنجره های چهارکلاس درس را در طبقه سوم ساختمان می بندند و شاگردان را امر به سکوت و سکون میکنند. پس از برناب

کودکان فلسطینی در زندانهای صهیونیسم و در زیر شکنجه های طاقت فرسائی که بر آنها تحمیل میشود. مفاهیمی چون حقوق بشر و آزادی را که ریاکارانه بر زبان کارتر و دیگر سردمداران امپریالیسم جاری مسود تجربه میکنند. آنها زندان و شکنجه و سهادت بدران و مادران و از هم باسندگی کانون های خانوادگی، را در بست سله های زندانهای اسرائیل بناسنکی تجربه میکنند. کودکان فلسطینی نسلی که خشم و کینه مقدس انقلابی آنها نسبت به جنایات و وحشیگریهای آمریکا و اسرائیل در آینده نه چندان دوری منظرها به آتش انقلاب خواهد کشیداز هم اکنون در اردوگاههای جریکی خود را برای پذیرش مسئولیت های خطرناک آینده آماده میکنند. رخا رضائی در نامه ای به برادر خردسال خود در مورد کودکان فلسطینی چنین می نویسد: "...افسوس که قبلا نمیتوانستم برایت از فلسطین صحبت کنم، برایت بگویم که آنجا فدائیهایی بودند که هم قد خود بودند و به آنها "شیل" یا سر بچه میگفتند، و هر کدام یک تفنگ داشتند صبح ها ورزش میکردند و دسته جمعی در حین دویدن این آواز را می خواندند: انا حلفنا، احنا حلفنا، کل العالم ما یوقنا" ما سوگند خورده ایم، ما بیگار خواهیم کرد، همه دنیا هم اگر بخواهد، نخواهد توانست ما را باز دارد."



رزم وابسته به امپریالیسم شاه خائن در توطئه و جنایت علیه فرزندان قهرمان خلق فلسطین دست در دست آمریکا و اسرائیل نقش حساسی در منطقه بعهدده داشت، سازمانهای جاسوسی شاه در خدمت امپریالیسم و صهیونیسم به انقلاب مسلحانه خلق فلسطین خیانت میکردند. با درود به رزمندگان قهرمان فلسطینی و کودکان و نوجوانانی که امید آینده منطقه هستند.

به مرزبان و فرماندهی هنگ ژاندارمری مهران از ساواک فرمانداری کل ایلام نخست وزیری سازمان اطلاعات و امنیت کشور س.ا.و.ا.ک. ری

طبق اطلاع یکی از چریکهای الفتح بنام محمد جمیل ۱۸ ساله ننومند بقصد خرابکاری در مؤسسات اسرائیلی بخارج مسافت نموده و کشور هدف وی مشخص نیست. خواهشمند است دستور فرمائید ضمن مراهبت محض مشاهده نامبرده را دستگیر و باین سازمان اعزام دارند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت فرمانداریکل ایلام و پشتکوه. رحمانی ۵۸/۹/۱۴

فرار خواهد گرفت. بهمین دلایل است که شورای انقلاب تصمیم گرفت هیئت ایرانی عازم اسلام آباد شود. اگر خوب به اظهارات وزیر خارجه دقت کنیم، عمق مطلب ایشان را درک می کنیم. اگر ما شرایط جامعه را خوب در نظر بگیریم می بینیم که طبق بیانات امام ما هر چه بدبختی داریم از امریکاست و تمام مسائل ما در ارتباط با امریکا قرار دارد و اگر همه سختی و ناراحتی متوجه ایران باشد از جانب امریکاست. تازه آن همه سختی نیست بلکه آسایش و سعادت واقعی ماست. وزیر خارجه می خواهند بگویند که همچنین نیست بلکه سختی های ما ناشی از تجاوز شوروی به افغانستان است. این جز مسائل را آگاهانه منحرف مطرح کردن نیست؟

Official document from the Ministry of Intelligence and Security, Iran, dated 14/9/58. It contains a report about a suspected saboteur in the city of Ilam, mentioning the Revolutionary Guards and the Ministry of Intelligence. The document is signed by the Chief of the Ministry of Intelligence and Security.

### همکاری ساواک با اسرائیل

سندی را که نمونه ای از همکاری و همکاری سازمانهای اطلاعاتی شاه با امپریالیسم و صهیونیسم بر علیه جوانان انقلابی فلسطینی بشمار میرود ارائه میکنیم.

## بیانیه سیاسی جنبش

ساعتی هر آن ممکن است سحر خود. المده هنوز همساری و بیداری ملت و حضور رهبر انقلاب امام خمینی صاحب امت و سلامت انقلاب است اما از گرایشهای خطرناک و انحرافی که آینده انقلاب را تهدید می کند نباید غافل ماند. ما توجه وجدان بیدار ملت ایران و همه نیروهای متعهد و مسلمان و عناصر و شخصیتها و مسئولین و نایبندگانی که بنحوی در مبارزه علیه رژیم و در پیروزی انقلاب مشارکت داشته و مع هدفهای انقلاب وفادارند، به حساست موقع حبل کرده، برای جلوگیری از وقفه کامل در حرکت انقلاب و طغ شدن کامل کشور پیشنهاد خود را بر اساس اصول و حقوق زیر بیان میداریم:

- ۱) حیات انقلاب اسلامی که خوبسپای دهها هزار شهید و سالها مبارزه و شکنجه و زندان و تبعید و مقاومت و ایستادگی بوده است، وابسته به ادامه جنبش در سوی هدفهای اعلام شده است.
- ۲) ادامه جنبش انقلابی به حفظ ویزگیهای آن، حفظ وحدت خلق، حضور دانشی مردم در صحنه، وحدت رهبری و مبارزه جدی و واقعی با دشمن اصلی آن، امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و پایگاههای داخلی آن، سرمایه داری و باقیمانده عناصر فئودال و مرتجع مسابند.
- ۳) رشد تحولات انحصارگرایی و مبرک قدرت در هر یک از جناحها، چه به پیروزی یکی از دو طرف بیانجامد و چه همچنان ادامه یابد، انقلاب را از هدفهای خود دور کرده وحدت و تداوم آنرا از بین میبرد.
- ۴) تثبیت یک نظم انقلابی با جهت گیری مکتبی و ایجاد وحدت بویا بس نیروهای معتقد و مسلمان بر گرد هدفهای اصلی انقلاب، در زمان حیات رهبر انقلاب امام خمینی ضرورت حیاتی دارد.
- ۵) کشمکشهای بین گروهی و تضادهای درونی باهر انگیزهای که باشد بران انقلاب و به نفع دشمن است. لذا همه نیروها و گروهها باید از دامن زدن به آتش اختلاف و نفاق پرهیز کرده از خودمجوری، انحصارطلبی و حزم گرایی دوری گیرند.
- همه جریانات و جناحهای درگیر و همه گروهها و نیروهای اسلامی که به اهداف انقلاب اسلامی وفادار هستند، آماده همکاری در چهارچوب جمهوری اسلامی میباشند، روی اصول زیر توافق کرده، صف واحدی تشکیل دهند:
- الف) قدرت های اجرائی و تصمیم گیری نباید در دستهای یک فرد یا یک گروه متمرکز شود. هر کدام از سه قوه مقننه، اجرائیه و قضایی حقوق و وظایف کامل خود را بر طبق قانون اساسی احراز و اعمال کنند.
- ب) یک دولت قوی و مستقل از وابستگی خاص به جناحهای قدرت و متکی به اعتماد امام و آرای اعتماد مجلس و حمایت تودهها تشکیل شود. این دولت باید دارای خصوصیات اساسی زیر باشد: اول) مکتبی بنیادیند و عمل کند، دوم) تا تصویب متمام قانون اساسی متعهد به قانون اساسی جمهوری اسلامی باشد، سوم) قاطعیت انقلابی داشته باشد، چهارم) سوابق مبارزاتی و اسلامی روشن داشتن باشد، پنجم) در اقدامات خود به تودههای مستضعف و به نسل جوان و متعهد اتکاء نماید.
- ج) برنامه دولت حول محور مبارزه با پایگاههای امپریالیسم، سرمایه داری وابسته و فئودالیسم، بمنظور حل سریع بحران اقتصادی و سیاسی کشور تنظیم شود.
- د) هرگونه تبلیغات و تحریکات نفاق افکنانه موقوف و برخورد های غیراصولی جای خود را به بحث آزاد و اسلامی داده، آزادیهای مطرح در قانون اساسی محترم شمرده شود.
- نمایندگان مسئول و متعهد مجلس و دانشجویان مسلمان و کلیه نیروهای آگاه و مکتبی در به ثمر رساندن پیشنهاد فوق که میتواند محور وحدت عمل همه نیروهای مردمی گردد، سهم زیادتری بر دوش دارند.
- ما امیدواریم که آنان مسئولیت خود را در قبال مردم و مکتب ایفا کنند. نباید فراموش کرد که تاریخ از همه کسانی که وارث پیروزی ملت شدند و از همدنوع امکانات و حیاتیهای اساسی برای تحقق هدفها و آرمانهای انقلابی بهره مند بودند بازخواست خواهد کرد. تا فرصت باقی است، گاهی موثر برای جریان گذشته برداریم و راه را بر توطئه های دشمن ببندیم.

جنبش مسلمانان مبارز ۵۹/۳/۱۳



به مناسبت بزرگداشت هفدهمین سالروز قیام خونین و قهرمانانه ۱۵ خرداد سال ۴۲ از طرف جنبش مسلمانان مبارز مراسم در روزهای چهارشنبه ۱۴ خرداد و پنجشنبه ۱۵ خرداد ماه در محل جنبش مسلمانان مبارز برگزار گردید. که در روز چهارشنبه ۱۴ خرداد برادر محمد ملکی، برادر عباسزادگان و برادر محمد محمدی در رابطه با قیام نیمه خرداد سخنانی ایراد نمودند. همچنین در روز ۱۵ خرداد برادر حبیبالله ییمان تحت عنوان ویژگیهای یک قیام مذهبی سخنرانی نمود. اینک به ذکر فرازهایی از گفتار سه سخنران روز ۱۴ خرداد می‌پردازیم:



گوشه‌هایی از سخنرانی برادر دکترملکی

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

در این سخنرانی دکتر ملکی ضمن طرح زمینه‌هایی از قیام ۱۵ خرداد، فرازهایی از این قیام را برشمردند که در ذیل قسمتهایی از آنرا می‌آوریم:

ایشان در ابتدای سخنان خود در شرح زمینه‌های ۱۵ خرداد ضمن اشاره به کودتای ۲۸ مرداد گفتند:

پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، هرچند در ابتدا با خشونت همراه بود، اما کم‌کم رژیم برای تثبیت موقعیت خویش سعی کرد اصلاحاتی رومیانی انجام دهد، در این رابطه دو حزب معروف مردم و ملیون برهبری اقبال و علم تشکیل شد تا وجهه دموکراسی به حکومت بدهند. بدینال این اعمال بود که لایحه‌ای بنام لایحه اصلاحات ارضی در سال ۱۳۳۸ به مجلس تقدیم شد تا به این ترتیب از ناراضیتهای مردم و علی‌الخصوص دهقانان بکاهد. دکتر ملکی در بخش دیگری از سخنان خود در رابطه با سیاست امپریالیسم آمریکا گفت:

آمریکا بر اساس طرح جدید خود در زمان حکومت کندی سعی داشت تا در کشورهای زیر سلطه اصلاحاتی اجتماعی برای دوام و بقاء حاکمیت خویش انجام

آن مواد جدید عبارتند بودند از: ۱) شرکت همه زنان و مردان در انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی. ۲) حذف شرط مسلمان بودن برای انتخاب‌شوندگان. ۳)

# ۱۵ خرداد تجلی سنت شهادت و ایثار

برداخته و رژیم خود در این شلوغیها شرکت و سعی در انحراف آن می‌نماید. قسمت اعظم آتش‌سوزیها را رژیم خود انجام میدهد. تمام کتابخانه‌ها را به آتش

## بعقیده لیبرالها با وقایع ۱۵ خرداد و زندانهای پرشده، دیگر شهید دادن فایده ندارد و باید این دوره را با صبر و متانت گذراند.

کشیده و از بین می‌برد. نکته جالب شرکت دهقانان و از آن جمله دهقانان کهن‌پوش و روستایی در این قیام خونین میباشد که رژیم آنها را در باقرآباد بشهادت میرساند.

پس از این واقعه حکومت نظامی در تهران اعلام و نصیری معدوم فرمانده حکومت نظامی می‌شود، اما در روز ۱۶ خرداد نیز تظاهرات مردم ادامه یافته و شاه در آنروز خود دستور تیراندازی داده، اعلام می‌کند تیرها را هدر ندهید، با هر گلوله یک نفر باید کشته شود.

دکتر ملکی در پایان سخنان خود گفت:

پس از دستگیری امام و عدم دسترسی مردم بایشان، در عین اینکه دانشجویان معتقد به ادامه مبارزه بودند، گروهیهای مایوس‌کننده باز هم نقش باس‌میز خود را ایفا کردند. الهیار صالح ریاست هیئت اجرائی جبهه ملی در نطقی در شورای جبهه ملی می‌گوید: با وقایع اخیر از جمله ۱۵ خرداد و زندانهای پرشده، بعقیده من شهید دادن فایده‌ای ندارد و لذا باید این دوره را با صبر و متانت گذراند و از کارهایی که موجب عکس‌العمل می‌شوند، خودداری کرد که ممکن است با عکس‌العمل شدیدتر از جمله غیرقانونی ساختن جبهه مواجه شویم، البته مقصودم از کلمه صبر و انتظار آن نیست که هیچ کار نشود بلکه از جمله باید ارتباط بین دوستان حفظ گردد.



خلاصه‌ای از سخنرانی برادر محمدی

"بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم"

قال رب اشرح لی صدری، و یسر لی امری و احلل عقده من لسانی یقها قولی و رب زدنی علما و ایمانا"

موضوع مورد بحث بررسی یک وجه از زمینه‌های قیام ۱۵ خرداد است. هر قیامی بوسیله انسانها عملی است و انسان نیز وجوه گوناگونی دارد. یک زمان تحلیل قیام نیمه خرداد بر اساس تضادهای طبقاتی و اقتصادی حاکم بر جامعه آنزمان است و زمانی دیگر شکافتن شکل‌گیری این نهضت بر مبنای معادلات بین‌المللی ابرقدرتهاست، ولی در این بحث تعریف این قیام بر اساس ایندو وجه نمیباشد. مسئله اصلی بر سر انگیزه‌هایی است که رهبری هر قیام بوسیله آنها توده‌ها را

## هر رهبری بتواند نیازها را تشخیص داده و انگشت روی آنها بگذارد، بالاترین توفیق بیشتری حاصل کرده و حرکتش را توده‌ای‌تر نموده است.

توده‌ای به اعتبار نیازمندیهای روزمره و اقتصادی و رفاهی بوده و به انگیزشهای متعالی دیگر چون سنت شهادت و ایثار توجه نشود، توهینی مستقیم به توده و توجیه نکردن به انگیزه‌های واقعی اوست ولی این بدان معنا نیست که محرکهای اقتصادی نادیده گرفته شوند زیرا انسان مجموعه‌ای است از تمامی نیازها که این نیازها در ارتباط ارگانیک با یکدیگر هستند و نمی‌توان آنها را از یکدیگر تفکیک نمود همچنان که در یک انقلاب نمی‌توان مسائل فرهنگی - اقتصادی و فطری و سیاسی یک‌جامه‌را از هم جدا کرد.

حال به علت اصلی تاثیر عمیق دعوت امام خمینی و نفوذ توده‌ای وی می‌پردازیم: انسان همانگونه که نیاز مبرم به غذا و مسکن دارد، نیازهای دیگری نیز دارد که هر رهبری بتواند آنها را تشخیص داده و انگشت بر روی آنها بگذارد، بالاترین توفیق بیشتری حاصل کرده و حرکتش را توده‌ای‌تر نموده است و توده نیز این نیاز را در چهره رهبران مذهبی خود می‌بیند و آن احتیاج به خداست و پرستش او.

نیاز انسان خداجوئی و مطلق پرستی است. چنانکه قرآن می‌گوید: یا ایها الناس اتموا لفقرا الی الله - ای انسانها همه شما فقیر هستید و نیازمند، فقر و نیاز به چه چیزی؟ نیاز به خدا و نیاز به مطلق جویی. ماثو و هوشی‌ملی هم خدا داشتند ولی خدایی غیر از خدای امام خمینی. و تاکید رهبرانی چون امام خمینی و میرزای شیرازی هم بر طرح یک وجود مطلق و قابل پرستش برای توده و دست‌گذاری بر روی انگیزه‌های فطری توده است بطوریکه میرزای شیرازی حرکت خود را با یک جمله ساده آغاز می‌کند: از الان استعمال تنباکو حرام و در حکم محاربه با خداست. و یا امام در سال ۴۲ می‌گوید: تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب ویا اینکه مردم دین در خطر است، اسلام در خطر است.

## مسئله اصلی بر سر انگیزه‌هایی است که رهبری هر قیام بوسیله آنها، توده‌ها را بسیج کرده و باعث تهییج آنان می‌گردد.

برادر محمدی در ادامه سخنانش افزود: چرا بعد از مشروطه تا حالا حتی یک سازمان نداریم که به اندازه امام خمینی نفوذ توده‌ای داشته باشد آیا موقعیت امام در سال ۴۲ و پیروزی‌اش در سال ۵۷ فقط در وجه ضد ستیمی و مبارزه با شاه است؟ اگر اینچنین بود چرا افراد دیگری که حتی بیشتر از امام با شاه مبارزه کردند، نفوذ توده‌ای پیدا نکردند؟ و علت این امر طرح مسائل وروای مسائل رفاهی و انگیزه‌های مادی بوده است.

سخنران در خاتمه به وجوه مشترک قیام ۱۵ خرداد ۴۲ و پیروزی ۲۲ بهمن ۵۷ اشاره نمود و عنوان کرد که در سال ۴۲

دستگیر و زندانی شدن امام زمینه قیام و در پیروزی اخیر هم توهین به امام در یکی از مطبوعات، اسباب حرکت را فراهم نمود. و همچنین اشاره به آشکاری که در هر دو حرکت شرکت داشته‌اند که در میان این اقشار، قشر متوسط و قشر مذهبی بازاری و همچنین افراد روستایی در دهات برجسته‌تر و نمایانتر بودند.



خلاصه‌ای از سخنرانی برادر عباسزادگان

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قبل از شروع بحث، ضرورت دارد که دقیقاً بدانیم چگونه میتوان تاثیر یک حرکت اجتماعی در کل جریانات اجتماعی را مورد بررسی قرار داد و شیوه این بررسی نیز خود نکته مهمی است که با توجه به آباتی از قرآن بدان اشاره می‌کنیم:

الر، کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور باذن ربهم الی الصراط العزیزالحمید.

اولین مسئله در مبارزه خارج کردن ناس "توده مردم" از ظلمت به طرف نور است. بنابراین در کل یک حرکت علل و انگیزه‌ها و مکتبی که باید راهنمای عمل باشد، مورد تاکید میباشد. موضوع دوم دیدن حرکت توده و جریان درونی آن حرکت میباشد که بدون آن نمیتوانیم رابطه ارگانیکی بین قیام ۱۵ خرداد و کل حرکت برقرار کنیم. الهالذی له مافی السموات و ما فی الارض و ولیل‌الکافرین من عذاب شدید. آن نظام ارزشی که به خاطر آن

مبارزه می‌کنیم در کل حرکت حیات ساری و جاری است و رابطه منظمی بین اجزایش برقرار میباشد. و ولیل‌الکافرین من عذاب شدید - سرنوشت پوشندگان این واقعتهای حاکم بر حیات را تبیین و روشن می‌کند. و بعد قرآن از تضاد بین حق و باطل بحث می‌نماید که باید این تضاد را در بررسی‌ها بدقت مورد توجه قرار دهیم. الدین یستحقون الحیوه الدنیا علی الاخره - گروه اولی که به حیات دنیا چسبیده - و یصدون عن سبیل‌الله و یبغونها عوجا" اولتک فی ضلال بعید. اینان سد کننده راه خدا و حرکت تکاملی که خداوند از آن صحبت می‌کند هستند و در گمراهی بسر می‌برند. اگر بر اساس این قانونمندی‌های حاکم بر هستی حرکت شود، سرانجام پیروزی، و در غیر اینصورت شکست در پی خواهد بود.

سپس برادر عباسزادگان به حضور فعال اسلام در صحنه مبارزه بعد از خرداد ۴۲ اشاره کرد و گفت:

تا قبل از خرداد ۴۲ به تضاد خلق و امپریالیسم از یک دیدگاه ناسیونالیستی برخورد میشد - دیدگاهی که تا بحال نهضت‌آزادی و جبهه ملی مطرح کردند - و این موضوع بدین شکل مطرح می‌شد که اجانب بر ما سلطه دارند، در حالیکه ما باید خودمان سرنوشت خویش را تعیین کنیم. اصل مسئله در اینجا بدست آوردن حاکمیت توسط آن نیرو و ایجاد یک

دموکراسی پارلمانی با همان بینش غربی و دیدگاه ناسیونالیستی بود و مذهب تنها بعنوان جانشی حرکت و توجیه‌کننده آن دیدگاه بکار می‌رفت. اما از خرداد ۴۲

بعید مذهب حضور فعال خودش را در صحنه مبارزات سیاسی دقیقاً مشخص و معلوم می‌کند و انگیزه‌ها به انگیزه‌های مکتبی نزدیک می‌شود. رژیم که خطر را احساس نموده بود، برای مذهب‌زدایی در داخل کشور دست بکار می‌شود. از یکطرف سعی در جایگزین کردن فرهنگ شاهنشاهی و هخامنشی و ساسانی و... بجای فرهنگ اسلامی مردم می‌نماید و این کار را بکک عناصر وابسته به خود، و از طرق مختلف چون جشن‌های طوس و فرهنگ و هنر و ایجاد فرهنگستانها و... آغاز مینماید. و از طرف دیگر برای خارج کردن مذهب از بقیه در صحنه ۷

# با خلع ید از سرمایه‌داری وابسته، امپریالیسم آمریکا را بزانو در آوریم



# تحلیلی بر کنفرانس پاکستان قسمت دوم

تقریباً تمامی کشورهای عرب را بزرگساله خود میکشد. بدینصورت که اگر کشورهای عربی صادر کننده نفت تصمیمی بضرر آمریکا بگیرند مثلاً قیمت نفت را بخواهند آورد و لذا خود را به صورت دلسوز و قهرمان جهان اسلام نشان می‌دهد و برزیسکی مشاور امنیتی کارتر هم "سخ-الاسلام" شده است...

در اینجا باید این مسئله را نیز روشن کرد که تر جدید آمریکا (یعنی تکیه بر اسلام و سعی در خراب کردن آن) ناشی از چه چیزی می‌شود. برای درک بهتر این مسئله بیک تاریخچه مختصر از نهضت پان‌عربیسم و چگونگی دخالت آمریکا در این مورد می‌پردازیم. زمانیکه ناصر در مصر بر روی کار آمد، با تکیه بر احساسات ناسیونالیستی و ایجاد حس قومیت عرب سعی در وحدت اعراب در یک جبهه متشکل علیه اسرائیل داشت و در اینکار تاحدودی موفق شد ولی آمریکا بعد از اینکه متوجه رشد این مسئله شد، استراتژی خود را اینچنین بنا کرد که اول مرکز و کانون این نهضت را خراب کرده

کنفرانس و تشدید تضادهای فرعی باعث خراب شدن اسلام و از بین رفتن مرزبندیهای بین‌اسلام ارتجاعی و اسلام اصیل و انقلابی شود و همچنین با کشاندن ایران به مسائل فرعی باعث خراب شدن این چهره جدید اسلامی شود چون کشور ایران بصورت الگویی برای تمام توده‌های محروم کشورهای منطقه درآمده است بنابراین خلفای منطقه چشم به انقلاب ایران دوخته‌اند که ببینند چکار می‌کند. بنابراین اگر آمریکا بتواند ایران را از مبارزه ضدامپریالیستی قاطع به مبارزهای انحرافی (مثلاً تضاد اسلام با کمونیسم) بکشاند، میتواند امیدوار باشد که بزودی ایران نیز چهره خود را از دست داده و سردمداری جریان نهضت اسلامی باز به دست کشورهای مرتجع و نوکرفتنی چون عربستان سعودی، پاکستان، اردن، عمان و... بیافتد.

ایران و کنفرانس بااصلاح اسلامی پاکستان زمینه تضاد ایران و آمریکا را مسئله گروگانهای آمریکایی تشکیل میدادند و میدهند پس خط مشی آمریکا و شورای انقلاب و نیز امام را باید در زمینه فوق با یکدیگر مقایسه کرد و تحلیل نمود. خط مشی شورا در زمینه فوق در جهت خطی بود که آمریکا در ایران سعی در پیاده کردنش داشت بعنوان نمونه باید گفت شورای انقلاب با دعوت از کمسیون ویژه تحقیق خواست امپریالیستها را برآورده



ساخت از این گونه عملکردها در تمام موارد دیگر میتوان دید. اشغال نظامی افغانستان توسط شوروی برای آمریکا فرصت بسیار مناسبی بوجود آورد تا خود را از این بن‌بست برهاند زیرا اشغال نظامی توسط یک ابرقدرت مارکسیستی (حداقل در ظاهر) صورت گرفته بود که در یک رقابت شدید با اسلام قرار دارد و همین رقابت می‌تواند زمینه خوبی برای تشدید تضاد بین اسلام و کمونیسم و بالنتیجه انحراف آن در مسئله امپریالیسم آمریکا باشد. از اینجست آمریکا کنفرانس بااصلاح اسلامی را تشکیل داد و از طریق آن با دلسوزی برای اسلام و مسلمین افغانستان خود را هم‌جبهه با ایران نشان داد. امپریالیسم آمریکا سعی داشت تا با بزرگ جلوه دادن خط کمونیسم و حمله شوروی به افغانستان جو ضدامریکائی مسلمانان را بچو ضد کمونیستی تبدیل سازد. شورای انقلاب چون در خطی اصیل انقلاب نبود نمی‌توانست موضع مشخصی در مقابل این حرکت امپریالیسم آمریکا اتخاذ کند و علاوه بر آن در جهت تأیید خط آمریکا نیز گام برداشت. شورای انقلاب با شرکت در کنفرانس پاکستان توطئه‌های آمریکا را به نتیجه رساند و بدین ترتیب چهره اصیل انقلاب اسلامی را آلوده کرد. شیطانی بزرگ از چه چیزی می‌تواند اظهار رضایت کند.

## \* آمریکا با مهره‌هائی نظیر شاه خائن و سادات در سالیهای پیش و مهره‌هائی چون ضیاءالحق و ملک خالد در شرایط کنونی همواره سر نخ اصلی کنفرانس را در دست داشته است.

این سیاست باعث شده تا هم اکنون روزانه حدود ۴۰ میلیون بشکه نفت از کشور عربستان صادر گردد. این درحالی است که نیاز واقعی اقتصاد کشور حتی اگر متکی بر نفت هم باشد از ۲-۳ میلیون تولید در روز) بشکه نفت افزایش نخواهد یافت. رژیم عربستان با افزایش صادرات نفت هم نیاز صنایع غرب را بر طرف می‌سازد و هم با استفاده از پول نفت خود را تا بن دندان مسلح میکند تا در صورت لزوم بتواند جلوی حرکت‌های آزادیبخش داخل عربستان و نیز منظرها بگیرد. بدینوسیله عربستان تمام کشورهای عربی که در خطاوستگی به آمریکا هستند را رهبری میکند. عربستان حتی در اوپک نیز چنین وضعیتی دارد براحتی میتوان گفت که رهبری خط آمریکا را اوپک باعربستان است. عربستان با استفاده از قدرت "بزرگترین تولید کننده نفت" میتواند براحتی اوپک را تحت تأثیر خود قرار دهد.

در حقیقت عربستان را باید از ژنرالهای آمریکا در منطقه دانست، زیرا هم کشورهای عربی را تحت نفوذ خود دارد و هم در اوپک خط آمریکا را در دست دارد و حتی از اینها هم با فراتر گذاشته کشورهای دوردست منطقه را نیز بخود وابسته کرده است مثلاً با کمکهای اقتصادی خود به کشورهای نظیر پاکستان و بعضی کشورهای شمال افریقا سیاست آنها را تابعی از سیاست خود کرده است.

با توجه به چنین شرایطی عربستان یکی از جهت دهندگان اصلی خط کنفرانس اسلامی میباشد که در کنار پاکستان جناح عظیمی از کشورهای اسلامی را رهبری میکند. ذکر این نکته لازم است که کشورهای عربستان، اردن، بحرین، شیخ نشین - های خلیج و... در عین وابستگی مستقیم به امپریالیسم آمریکا خط مشی و سیاستهای خود را تحت رهبری کشوری چون عربستان پیاده میکنند و عربستان نیز با تکیه بر همین کشورهاست که با قدرت بیشتری قادر به اجرای سیاستهای ارتجاعی خویش می‌باشد. این کشورها مدافعان مناسبی برای سیاستهای عربستان و یاپاکستان در کنفرانس پاکستان میباشد.

یکی دیگر از هدفهایی که آمریکا از علم کردن این کنفرانس بااصلاح اسلامی داشت، تشکیل اتحادیه از این کشورها برای بکار گرفتن آنها در جهت منافع خویش بود و آنچنانکه گفته شد، بعد از هم پاشیدن پیمان سنتو، آمریکا در صدد بود تا این خلأ را بتجوی پر کند و بالاخره تصمیم گرفت که انجام این وظیفه بعهده این کنفرانس باشد و با این کار باعث گردید که توسط کشورهای مرتجع نظیر عربستان سعودی، عمان، کویت و غیره سدی در مقابل انتشار اسلام انقلابی که در

ب - دسته دیگر کشورهای هستند که نقش فعالی در جهنگبری کنفرانس دارند. دربراس این کشورها دو کشور عربستان و پاکستان قرار دارند که اینها هر یک در یک ارتباط خاص و تنگاتنگی با محافل خارج از کنفرانس قرار دارند. الف - پاکستان در رابطه با مناسبت "امریکا - چین - پاکستان" پایگاه و یکی از جبهه های اصلی بلوک غرب برای مقابله با بلوک شرق شده است. امپریالیسم آمریکا بدنبال از دست دادن پایگاههای خود در ایران میباشد در همین منطقه منتهی در کشورهای دیگر همان پایگاهها را برپا کند تا بتواند از نزدیک مراقب بلوک شرق باشد و هم جنبشهای آزادیبخش منطقه را کنترل نماید.

از این جهت اهمیت پاکستان روز بروز برای آمریکا بیشتر میشود. آمریکا از طریق این کنفرانس زمینه را برای تسلیح پاکستان آماده کرد آن جهت ایجاد پایگاههای مختلف مهیا میسازد میکوشد تا رژیم سر - سیده پاکستان را که بخاطر قطع صدور اسلحه آمریکائی از واشنگتن دلخور شده بود تا بن دندان مسلح کند، بدون آنکه در کنفرانس آمریکا با مخالفتن روبرو شده باشد. و مسافرت برزیسکی مشاور امنیتی کارتر و وارن کریستوفر به پاکستان پس از دهمین کنفرانس در همین رابطه است. و جالب توجه است که مقامات امریکایی و پاکستانی از نتایج گفتگوهایشان درباره تغییرات استراتژیک منطقه بدنبال مداخله شوروی در افغانستان اظهار رضایت کردند. ب - عربستان، از دو جنبه برای امپریالیسم اهمیت حیاتی دارد: الف: مسئله نفت. زیرا صنایع غرب با نفت خاور میانه تغذیه میشوند و در صورت قطع صدور نفت درصد مهمی از ماشین های کارخانجات از کار خواهند افتاد. ب - با توجه بموقعیت عربستان (نزدیکی به خلیج فارس، و همچنین دریای سرخ و...) نمیتوان اهمیت آنرا در ثبات منطقه به نفع آمریکا در نظر گرفت. عربستان با استفاده از سلاح نفت

بررسی تاریخچه کنفرانس نشان میدهد که کشورهای مترقی نیز در آن شرکت داشته‌اند. هدف اصلی آنها این بود که با شرکت در کنفرانس در جهت گیری آن نفوذ بدهند و درحقیقت به آن جهت مترقی بدهند. ولی بررسی عملگردهای کنفرانس در دوره حرکت خود از آغاز تا کنون نشان میدهد که آنها نه تنها نتوانستند به منظور خود دست بایند بلکه در دام توطئه امپریالیسم نیز افتادند. دومی که شرکت در آن در حقیقت تاثری بود بر عملکردهای واقعی آن - عملکردهای واقعی کنفرانس از آغاز تاکنون جز در جهت نامنوعیتها و اختلافات امریکا نبوده. زیرا وی با بهره هائی نظیر شاه خائن و سادات در سالیهای پیش و مهره هائی چون ضیاءالحق و ملک خالد در شرایط کنونی همواره سر نخ اصلی کنفرانس را در دست داشته است.

امپریالیسم از طریق کنفرانس کشورهای مترقی را از وظایف اصلی باز میداند و سعی در انجام آنها را از طریق همین کنفرانس مترقی می‌نماید. به عنوان نمونه وقتی قرار شد که هفتمین کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی در طرابلس (بایتخت لیبی) تشکیل شود در آن گروه ام آتی از جانب ایران - مصر - سوئان تحریم شد. رژیم های ایران - مصر - سوئان با علم کردن این مسئله که رژیم لیبی اسلامی نیست و وابسته به بلوک شرق است و اجناد هم اوچهائی کاذب نتوانستند اذهان را منحرف سازند و افکار عمومی را گمراه‌البته این کشورها تاحدودی نتوانستند سیاست خود را بر کنفرانس تحميل بکنند. بعنوان مثال بررسی قطنامه کنفرانس هائی که در لیبی برگزار شد (یکبار سومین کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی در بن غازی لیبی) و بار دیگر پنجمین کنفرانس بود که در طرابلس (بایتخت لیبی) برگزار شد) تغییر کیفی آنها را با دیگر کنفرانس ها نشان میدهد. مثلاً "کنفرانس بن غازی و طرابلس علاوه بر مسئله فلسطین و محکوم نبودن اسرائیل به مسئله مسلمانان فلسطین و آریتره و همچنین مسائل دیگر از همین قبیل پرداخته و بحث شد.

البته باید توجه داشت که نباید مسائل را بصورت مقطعی بررسی کنیم آنها را بصورت یک جریان دید و جهت گیری کلی آنها را ملاک و معیار قرار داد. در مورد کنفرانس اسلامی آمریکائی باید گفت که

## \* امپریالیسم آمریکا بدنبال از دست دادن پایگاههای خود در ایران میباشد در همین منطقه منتهی در کشورهای دیگر همان پایگاهها را برپا کند تا بتواند از نزدیک مراقب بلوک شرق باشد و هم جنبشهای آزادیبخش منطقه را کنترل نماید. از این جهت اهمیت پاکستان روز بروز برای آمریکا بیشتر می‌شود.

کنفرانتهائی چون لیبی و الجزایر نمی‌بایست صرفاً "برای تأثیر گذاشتن بر جهت گیری کنفرانس خود را در کنار رژیم هائی چون رژیم شاه خائن قرار میدادند. چرا که تأثیر گذاشتن بر کنفرانس نه امکان پذیر بود (زیرا سرخ در دست امریکا بود) و نه اصولی (زیرا شخصی چون شاه یک قطنامه را تصویب کردن تحت هیچ شرایطی نمیتواند مورد قبول باشد).

بنابراین سیر کلی کنفرانس (در جهت کنترل اوضاع منطقه، سرویس گذاشتن بر تضادها و بحران های منطقه برای حفظ منافع امریکا) و فرونشاندن شعله های نو ظهور انقلابات و خاموش کردن آتش رو به گسترش خشم ملت های منطقه از طریق کشاندن آن خشم ها به دور میز کنفرانس و محکوم کردن روی کاغذ بود.

نکته دیگری که از بررسی تاریخچه کنفرانس حاصل میشود این که در صورت ایران هر وقت منافع امریکا با وابستگانش اجرائی قطعنامه ها را ضروری مساسحت تضمین اجرائی کافی برای آن از طرف کنفرانس در نظر گرفته میشد و کشورهای سرسیده شدیدا" مسئله را بیگیری میکردند، در غیر این صورت کنفرانس بیشتر به شعار دادن و صدور قطعنامه های صرفاً" لفظی میپرداخت، که اکثراً" نیز چنین بود. به عنوان مثال حمایت از انقلاب فلسطین هرگز از مرحله شعار دادن پیش نرفت و حمایت ها تماماً" جنبه قطعنامه‌های داشت و تک فعالی از انقلاب فلسطین در برابر اسرائیل نشد این در حالی بود که تقریباً" در تمامی گروه ام آتی های کنفرانس از انقلاب فلسطین حمایت شده بود. ولی در مورد مسئله بیت المقدس و حمله اسرائیل به مسجد الاقصی چون مسئله آثار جنایت اسرائیل مطرح بود و این نمیتوانست در آینده عامل خطرناکی برای تحریک توده های علییه اسرائیل باشد. بلافاصله از طرف کنفرانس تضمین های اجرائی در حد کافی در نظر گرفته میشد. و شاه خود از طریق سازمان اوقاف کمکهای فراوانی در این زمینه مینماید.

## \* سیر کلی کنفرانس هادر جهت کنترل اوضاع منطقه، سرویس گذاشتن بر تضادها و بحرانهای منطقه برای حفظ منافع آمریکا و فرونشاندن شعله‌های نو ظهور انقلابات و خاموش کردن آتش رو به گسترش خشم ملت‌های منطقه از طریق کشاندن آن خشمها بدور میز کنفرانس و محکوم کردن روی کاغذ بوده است.

شدند که راه حل مسائل پیچیده آنها مکتب اسلام و وحدت مسلمین است. در اینجا باز دوباره متوجه خطر شده و سعی در دوباره پیاده کردن ترقیلی خود یعنی نابودی و از محتوای خالی کردن کانون این نهضت پان‌اسلامیت و همچنین به انحراف کشاندن این نهضت به کاتالیهای فرعی و اجازه ندادن در فعال شدن این نهضت. آمریکا برای پیاده کردن این مسئله سعی کرد با تشکیل کنفرانسهای اسلامی و شرکت دادن کشورهای مرتجع و وابسته به او در آن و همچنین کشاندن ایران به این



# مردم و ما

مطلبان - اسماعیل . س  
درباره جامعه توحیدی در امت شماره ۵۷ و ۵۸ مطالبی با زبان ساده و برای دانش آموزان آمده است . در آینده هم در این مورد تحلیلهایی خواهیم داشت .

برادران ساد مسلمانان مبارز دشتستان نوشته‌اند که امت برای دانش آموزان مدارس راهنمایی زیاد قابل استفاده نیست و مطالب سنگین است . در پاسخ شما برادران :

۱- تلاش خواهیم کرد در امت مطالبی که قابل استفاده دانش آموزان عزیز باشد گنجانده شود چنانکه در شماره های ۵۷ و ۵۸ چنین بود .

۲- بیشه‌ها شما از مدتها قبل مورد توجه بوده و برادران شما دست اندر کار تحقق خواست شما هستند .

رودبار زینون - م . پ . ر  
۱- پرسیده‌اید آیا بهتر نبود جنبش مسلمانان مبارز به دولت موقت بازرگان برادرانه تذکر میداد و جنبه گیری نمیکرد ؟ ماهیت اکثریت تشکیل دهندگان دولت موقت داشتیم عاقبت کار را پیش بینی میکردیم ، دولتی که امیران نظام و مقدم مراغه‌ای و حسن زویه ... از سردمداران آن بودند . کار این دولت با تذکر و انتقاد اصلاح شدنی نبود چرا که جنبش و ماهیت آن همان بود که در عمل نشان داد . اکثریت تشکیل دهندگان دولت موقت حول وحوش همان افکار و تفکرات ۳۰ سال قبل جنبه ملی و ۲۰ سال قبل نهضت آزادی پر سه میزدند . در حالیکه توده‌های مردم یک دوره مبارزه بی سخت و سهمگین را با رزم وابسته به امپریالیسم امریکانیت سر نهاده بودند . رئیس دولت موقت که سپهبد مقدم رئیس سازمان امنیت شاه را به ریاست رکن ۲ ارتش میگمارد و از اعدام زنی‌های قاتل و جنایتکار چون نصیری و ناچی و رحیمی و خسرو داد با آکراه و تنفر یاد میکند و عاقبتی جز آنچه که دیدید نداشت .

دولت موقت محکوم بشکست بود چرا که منطق انقلاب را نمایندگانی ، سیاست گام به گام که گویا اخیراً تغییر ماهیت داده ، و سیاست سنگر بستن !!! تبدیل شده است گویای حرکت لیبرالی و سازشکارانه دولت موقت بود . رئیس دولت موقت معتقد بود که اگر علی امینی عاقد قرارداد کنسرسیوم و مهره اصل امریکا با " سیا " سر و سری دارد ، بخاطر وطن دوستی و میهن پرستی است ، و مینویس هم مهره امریکایی بود و هم وطن پرست ، هم چنین ایشان در او ج قهرمانیهای مردم معتقد شده بودند که در قرآن تنها ۳٪ درباره جهاد و شهادت آمده است و ۹۷٪ مربوط به امور دیگر است . . . بنابراین ملاحظه میکنید که مسئله دو نوع پیش و دو نوع استراتژی و دو نوع حرکت مطرح است نه تذکر و احساسات و عواطف برادرانه .

۲- در مورد امام پرسیده‌اید ، بارها و بارها تذکر داده‌ایم که استنباط جنبش مسلمانان مبارز از مفهوم در خط امام بودن هرگز بمعنای مطلق ساختن امام نیست که این دور مغایرت با مکتب است و امام خود بارها چنین برداشتهایی را بشدت محکوم ساخته‌اند و نمونه بارز آن پاسخ امام به گفتار یکی از نمایندگان مجلس بوده .

۳- نظر جنبش مسلمانان مبارز را درباره پویندگان راه دکتر شریعتی خواستارید ؟ در این مورد معتقدیم که راه شهید دکترو این مکتب در حال حاضر مدعیان فراوان یافته است و برای شناخت راه دکتر شریعتی بهتر است به کتابهای خود او مراجعه کنید تا مدعیان پویندگی را داند .

۴- هر کسی که به خدا یعنی آن حقیقت واحد و به حرکت هدفدار جهان معتقد نباشد ، معلوم نیست عجلش در کدام جهت خواهد بود . شما تا ندانید کدام قله می‌خواهی بروی ، راه را درست انتخاب نمی‌کنی . عمل صالح حرکت در مسیر آن هدف نهایی در مسیر سنت‌های خدایی و رفتن بسوی خداست . بدون شناخت و تسلیم بدان هدف چگونه مطمئن هستی که همیشه در راه و در جهت درست گام برمی داری .

خشکبچار - ر . ت . ط  
۱- درست است که همه پیروان واقعی تشیع علوی باید در یک صف متحد شوند و این خواست و آرزوی ماست شاید اختلاف در تشخیص اصول و وظایف و مسئولیتهای یک مسلمان در حال حاضر و یا تحلیل و تفسیر شرایط کنونی باشد که در اینصورت باید با تبادل نظر و برخورد برادرانه به وحدت بیانجامد .

۲- جامعه توحیدی و بی طبقه توحیدی تفاوتی ندارند در دومی یک تاکید اضافی

# تثبیت حکومت را با خونریزی میخواه! ه

مبهم الزلزل ، و تعرض لهم العلیل ، و بوئی علی ایدیهم فی العمد و الخطفه فاعطهم من عفوک و صفحک مثل الذی تحب ان الله من عفوه و صفحه) . امام ، مجدداً تنها مگانیم اسمان "خوشتن داری" و نجات از کیش شخصیت را توجه به عظمت خدا و اذعان بناجبری انسان دانسته یادآوری می‌شود که: "تو - بواسطه موضع مسئولیت خود - برتر از

۷- مگو من ما مورم (و پس معذور) ! ولا تقول انی مؤمر امر فاطع . . . مگو من ما مورم و به هرچه فرمان دهم باید فرمان ببرد . علی (ع) در این بحث از فرمان ، حد و حدود حاکم و فرمانروا را معین میکند و در واقع با تذکر میدهد که اگرچه تو از طرف امام منتخب شده‌ای و اگر چه مردم بخاطر امام و بنام او و جهت اعلام توبه بندگی خدا و تبعیت از ارزشهای توحیدی با تویبعت کرده و تو را به ریاست و فرمانروایی خود قبول میکنند اما با اینحال اولاً - ما مور و منصوب و منتخب شدن تو هرگز دلیل اطاعت کورگورانه تو از هیچ مقامی جز "الله" نخواهد بود و بناچار مسئولیت همه اعمال خود را نیز خود بگردن خواهی گرفت و بر نوست تا بکمک طریقت "تقوی" و شناخت درست از جریانات حوزه فرمانروایی خویش و پیروی محض از اصول مکتب ، معیارها و ارزشهای اسلامی را نام العینی قرار دهی تا بر اساس آنها مواضع توحیدی اتخاذ کنی و ثانیاً بر اساس همین منطق ، هیچ دلیلی در میان نخواهد بود تا گمان بری که "شروعیت" ریاست و فرمانروایی تو میباید توجیهگر اطاعت کورانه خواستی تو از مردم باشد ! امام (ع) در گفتار ۱۵۶ ، با تعبیری

مردم هستی و خدا هم از آنکه حکومت را تو سپرده‌است (امام و مردم) تا کار مردم را انجام دهی برتر است . در این سخن ،

علی (ع) با زیبایی تمام نوع و نحوه "ابتلاء" حاکم را "حکومت او بر مردم" دانسته ، می‌فرماید: "خداوند - عمل تو بر مردم را بسبب آزمایش و ابتلاء - توفیق داده است و مبادا که - به جهت استکبار و درنده خوئی نسبت به مردم خود را برای جنگ با خدا آماده سازی!"

در اینجا لازم به اشاره است که "گذشت" ی که علی (ع) از مالک انتظار دارد سلماً "پارتنی بازی" های رایج زمانه ما و گله‌گشای ها و نور چشم بازی ها و غفوه‌های بی در پی ساواکی ها و مزدوران سرپرستان نیست . علی (ع) که حاضر نیست کوچکترین اعضای در حق احدی بنماید بی شک نظری از "گذشت" و بخشش فرمانروا نیز ، بخششی نخواهد بود که عین ظلم و بی‌ادب است و روح علی با آن دشمن! گذشته‌ای که او از آن یاد میکند گذشته‌ای است که با دادن معارضه‌های مکتبی و

بازگار و سنگری بر آنها حکومت میکند . اما اعلان جنگ فرمانروا بر بخارا نالی مقدر ظلم و ستم او بر خلق شونده به مالک هشدار میدهد که اگر با از "حد" و حدود خود فراتر گذاشتی و اگر با این تجاوز به حقوق خلق خدا" زور" گفنی و آنها را بخشم واداشتی بدانکه اعلان جنگ به خدا دادهای و یقین کن که تو ناب و توان مقاومت در برابر سیل خروشان خلق ستمتف که خدای سرگون کننده ستم سنگان و پشیمان آنهاست نخواهی داشت .

● در ظلمتکده ظلم، نعمتهای الهی از دست می‌رود و طریق شیطان و ارزشها و معیارهای شیطانی خیمه میزند و جامعه‌ایکه «شیطان زده» باشد، جامعه‌ایست ضد توحیدی و بقائی بر آن نمی‌توان انتظار داشت

بخشیدن آگاهی توحیدی به خلق و "تساندن و اجرای حق" که وظیفه فرمانرواست حاصل میشود و لا غیر ، همانطوریکه بخشش و گذشت خداوند نیز نه همانند "غض عینی" های رایج دیپلماتیک بلکه از طریق جمع آمدن مقدمات آن گذشت و بخشش عملی میگردد - بگونه‌ای که زمینه و شرایطی فراهم آمد تا انسانها ، خود بسبب کار و تلاش خویش ، از طریق عمل خیر خود ، عامل بخشش و استغفار خود و تحقق و اعتلاء کلمه "حق" باشند .

ولا تنصین نفسک لحرب الله" . هشدار که استکبار تو موجب آن نشود که با تجاوز به حقوق مردم ، اعلان جنگ بخدا داده باشی " چرا که" تورا برای تحمل خشم خدا نیست - که شهرا است - از رحمت اونیز بی‌نیاز نمیشوی و هرگز از بخشش پیشیمان و از کفر ، شاد باشی و به خشمی که میتوان مرتکب نشوی شتاب منمائی (فانه لا یلدی لک بنقمنه، ولا غنی بک عن عفوه و رحمته ولا تنندن علی عفو ولا تبجنن بعفوه ولا تسرعن الی بادره وحدت منها مندوحه) . علی (ع) با این بیان رسا ، خشم خدا را از خشم خلقی میداننده فرمانروای



بازگار و سنگری بر آنها حکومت میکند . اما اعلان جنگ فرمانروا بر بخارا نالی مقدر ظلم و ستم او بر خلق شونده به مالک هشدار میدهد که اگر با از "حد" و حدود خود فراتر گذاشتی و اگر با این تجاوز به حقوق خلق خدا" زور" گفنی و آنها را بخشم واداشتی بدانکه اعلان جنگ به خدا دادهای و یقین کن که تو ناب و توان مقاومت در برابر سیل خروشان خلق ستمتف که خدای سرگون کننده ستم سنگان و پشیمان آنهاست نخواهی داشت .

# مقوله‌های اساسی مکتب

علم در فرهنگ قرآن عبارتست از معرفتهایی که منطبق با واقعیهایی مستقل از ذهن میباشد و ظن معرفتی است که ساخته ذهن بوده و انطباق و هماهنگی با واقعیت مستقل از ذهن ندارد، ما این تعاریف قرآنی را تبیین کرده، ملاک قرار می‌دهیم.

خود ملاک ظن بودن بعضی آگاهی‌ها بدست می‌دهد:   
"و ما يتبع اكثرهم الا ظنا ان الظن لا يعنى من الحق شيئا" یونس/۳۶: و غالب آنان جز از ظن پیروی نمی‌کنند. همانا که ظن از حق چیزی را بی‌نیاز نکند. درحقیقت بیان این معناست که ظن چیزی از حق (واقعیت مستقل از ذهن) با خود ندارد. پس علم در فرهنگ قرآن عبارتست از معرفتهایی که منطبق با واقعیهایی مستقل از ذهن می‌باشد و ظن معرفتی است که ساخته ذهن بوده و انطباق و هماهنگی با واقعیت مستقل از ذهن ندارد و ما این تعاریف قرآنی را تبیین کرده ملاک قرار می‌دهیم.

چون ظن شناختی است پرورده ذهن درباره امر واقع و نه برخاسته از امر واقع، خود به خود مقید و مشروط به ذهن است (ایدئالیستی است) و می‌دانیم که اگر ذهن امر واقع را همانگونه که هست منعکس نسازد و خود به حدس و گمان بیردازد، حدس و گمان او مقید به خصلتها و انگیزه‌های شخصی خواهد شد. و اصولاً باید گفت اگر شناختی خصوصیت ظن دارد نه علم، دلیلش آنستکه "اولاً" مینا ذهن بوده نامر واقع، ثانیاً" مقید و متأثر از تمایلات و انگیزه‌های شخصی بوده است که اجازه نداده ذهن واقعیت را همانگونه که بوده درک کند بلکه آنگونه که خود خواسته است دریافت کرده. "ان هی الا اسیء" سیموهوا اتم و آیا اکتفا ما انزل الله بها من سلطان - ان يتبعون الا الظن و ما تهوى الانفس و لقد جاءهم من ربهم الهدى" نجم/۲۳: آنها نیست مگر ناهمایی که شما و پدرانانتان بدان نامیدید و خدا برای آنها قوه (اعتباری) نفرستاده است و پیروی نکنند مگر پندار هوسهای نفس را، در حالیکه از جانب پروردگارتان راهنما آمده‌اند. "علتش را قرآن بعداً" اضافه می‌کند که بشر در وهله اول دنبال آرزوهای خود است و آن آرزوها و پندارها را حقیقت می‌شمارد.

خداوند بت پرستان و مشرکین یک خدای ذهنی و حالیکه الله خدای واقعی است. از اینرو قرآن تصورات و شناخت ایدئالیستی است در حالیکه الله خدای واقعی است. از اینرو قرآن تصورات و شناخت ایدئالیستی است در حالیکه الله خدای واقعی است. از اینرو قرآن تصورات و شناخت ایدئالیستی است در حالیکه الله خدای واقعی است. از اینرو قرآن تصورات و شناخت ایدئالیستی است در حالیکه الله خدای واقعی است.

ذهن بدون دخالت عوامل دیگری چون عیاق و هوسها مستقیماً با واقعیت ارتباط برقرار کرده است. اما در ظن، چنین رابطه مستقیمی برقرار نشده و ذهن از روی ظواهر به قضاوت نشسته است و درتشخیص خود متأثر از عوامل دیگری است و یا باورهای دیرین چون حجابی مانع از مشاهده و درک مستقیم واقعیت شده‌اند. "واذا قيل ان عدل الله حق والساعة لا ريب فيها، قلتم ما ندري ما الساعة ان نظن الا ظناً" و ما نحن بمستيقنين" چائیه/۳۲ و چون گفته شد که وعده خدا راست است و در ساعت (قیامت) شکی نیست، گفتید ما نمی‌دانیم ساعت چیست و جز گمان و پندار حدسی و گمانی نداریم.

قرآن به این نوع شناخت که کاملاً ذهنی و پندارگرایانه است بها نمی‌دهد و عکس مردم را از آن پرهیز می‌دهد. زیرا شناخت ذهنی یا غیرعلمی سبب گمراهی و انحراف در عمل می‌شود. "یا ایها الذین امنوا اجتنبوا کثیراً" من الظن ان بعض الظن اثم "حجرات/۱۲: ای مومنان از بسیاری گمانها پرهیز کنید که بعضی از آنها گناه و انحراف است.

قرآن از مردم می‌خواهد از خبرهایی که برآورد آن علم، یقین و شناخت حقیقی ندارند، تبعیت نکنند "لا تقف ما ليس لك

## ظن در حقیقت شناخت ایدئالیستی (پرورده ذهن) است، در برابر علم که شناخت واقعی است (رنالیستی).

واقع، در اینجا واقعیت شخصیت و رسالت موسی، تابع آرزوهای شخصی اوست. همانگونه که برخی مردم از کتاب (پیام وحی) برداشتی جز آنچه با آرزوهایشان تطبیق کند ندارند و منقسم امیون، لا یعلمون الا کتاب الامانی و انهم الا یظنون" بقره/۷۸: و از انسان مردمی‌ای که از کتاب جز آرزوهایش نمی‌دانند و جز ظن و پندار ذهنی ندارد.

اما در مقابل موسی باتکیه بر آگاهی‌های خود از سنت‌های الهی و بدلیل عدم وابستگی اندیشاش به منافع و تمایلات شخصی، پیش‌بینی درستی از فرجام کار فرعون می‌کند. اگر چه این پیش‌بینی ساخته ذهن اوست و هنوز واقعیت پیدا نکرده و رخ نداده است. "قال لقد علمت ما انزل هوذا الارب السعوات والارض بائس و ابی الا انک یا فرعون متبورا" سوره/۱۰۲: (موسی خطاب به فرعون) گفت همانا دانستی که آنها را کسی جز پروردگار آسمانها و زمین نفرستاده است و شامل پیشبشایی است، لکن من تو فرعون را نپاؤدشه می‌پندارم. چنانکه دیدیم قرآن ظن را در برابر علم قرار می‌دهد. در معرفت علمی، شناخت با واقعیت کاملاً منطبق است زیرا

بقیه از صفحه ۹

## مسلمین بعد از فتح

موضوع گیری‌های واقعی‌شان ارزیابی کردیم و جریانات غیر اصل و تظاهرات خمینی - نمائی را از حرکت‌های اصلی و وفادار نسبت به خط انقلاب جدا کردیم. اگر قرار است مجلسی در خط امام و انقلاب داشته باشیم، اعضا آن باید با این معیارها شناخته شوند - به سوابق فعالیت و عملکردشان رجوع شود، اگر صادقانه برای اسلام و مکتب مبارزه کرده‌اند، اگر از کودتای ۲۸ مرداد به بعد با رژیم همکاری نداشته‌اند و در رسته‌های حساس مدیرکلی، وزارت و معاونت وزیر به رژیم خدمت نکرده‌اند - اگر در مبارزه خلق شرکت داشته، آنرا پاری کرده‌اند - اگر در برابر انقلاب شیوه‌های سازشکاری پیش نکرده‌اند - اگر با ساواک و دستگاه - های اطلاعاتی رژیم همکاری نداشته به فساد و زبازدوی و فریب خلق توجه و جانیته و خیانت‌های رژیم اشتغال نداشته‌اند ، اگر بر ضد انقلاب و امام فعالیت نداشته و قلم نزده‌اند، حق دارند که در مجلس بنایند، والا باید با اعتبار نامه آنان مخالفت شود این وظیفه نمایندگان صادق و اصل و در خط امام و انقلاب است که اجازه ندهند عناصری ناصادق و متظاهر به طرفداری از امام و انقلاب در مجلس عصیت پیدا کنند.

در برابر خطر جریانات انحرافی و تلاشهای فرص طلبانه که آینده حرکت انقلابی را تهدید میکند - باید معیارها و ویژگیهای اساسی خط امام و انقلاب روشن و اعلام شود. گمانیکه مسئولیت‌های حساس دارند، سوابقشان و عملکرد پانزده ماهه‌شان به دقت بررسی گردد، اگر با این ضوابط نمیخواند آن پسته‌ها کنار گذاشته شوند. گرایشهای انحصار طلبی و قدرت طلبی موجب میشود که هرکس یا هر گروه برای از میان برداشتن موانع به محدود کردن خطی انقلاب و امام دست بزنند، چنانکه بعضی جریانات در این زمینه میگویند و سعی میکنند خط اصل حرکت امام را با موضوع گیریهای غیر اصولی و شخصی یا گروهی و باندی نزد مردم مشتبه سازند - تا مردم نتوانند خود مستقلاً و بر اساس تجربه عینی به تشخیص صحیح برسند. برخورد‌های شکلی بجای طرح اصول، یکی از این شیوه‌های انحرافی است. بر طبق این روش اگر کسی نسبت بیک روحانی ایراد و انتقاد داشت - ضد روحانیت معرفی میشود - اگر کسی نسبت به یکی از مسئولین حتی منصوب از جانب امام انتقاد کرد، ضد امام خوانده میشود، اگر کسی نسبت به انحراف و وضعی در دستگاههای اجرائی و مسئولین دولت و شورای انقلاب خرده گرفت ضد انقلاب ، بحساب می‌آید و در مقابل اگر کسی درست و فقط در ظاهر و گفتار، روحانیت را تأیید نمود و امام امام گردد دم از انقلاب زد و شعار داد و حرف زد و متظاهر کرد یک مسلمان و طرفدار واقعی انقلاب و امام و روحانیت است.

عصیت پیدا کنند. در برابر خطر جریانات انحرافی و تلاشهای فرص طلبانه که آینده حرکت انقلابی را تهدید میکند - باید معیارها و ویژگیهای اساسی خط امام و انقلاب روشن و اعلام شود. گمانیکه مسئولیت‌های حساس دارند، سوابقشان و عملکرد پانزده ماهه‌شان به دقت بررسی گردد، اگر با این ضوابط نمیخواند آن پسته‌ها کنار گذاشته شوند. گرایشهای انحصار طلبی و قدرت طلبی موجب میشود که هرکس یا هر گروه برای از میان برداشتن موانع به محدود کردن خطی انقلاب و امام دست بزنند، چنانکه بعضی جریانات در این زمینه میگویند و سعی میکنند خط اصل حرکت امام را با موضوع گیریهای غیر اصولی و شخصی یا گروهی و باندی نزد مردم مشتبه سازند - تا مردم نتوانند خود مستقلاً و بر اساس تجربه عینی به تشخیص صحیح برسند. برخورد‌های شکلی بجای طرح اصول، یکی از این شیوه‌های انحرافی است. بر طبق این روش اگر کسی نسبت بیک روحانی ایراد و انتقاد داشت - ضد روحانیت معرفی میشود - اگر کسی نسبت به یکی از مسئولین حتی منصوب از جانب امام انتقاد کرد، ضد امام خوانده میشود، اگر کسی نسبت به انحراف و وضعی در دستگاههای اجرائی و مسئولین دولت و شورای انقلاب خرده گرفت ضد انقلاب ، بحساب می‌آید و در مقابل اگر کسی درست و فقط در ظاهر و گفتار، روحانیت را تأیید نمود و امام امام گردد دم از انقلاب زد و شعار داد و حرف زد و متظاهر کرد یک مسلمان و طرفدار واقعی انقلاب و امام و روحانیت است.

بقیه از صفحه ۹

## تثبیت حکومت را با

مشروعیت انتصاب و انتخاب خود دادند. از نظر امام، خود کامی حاکم و ضدیت او با "شورا" و مشورت با مردم و "فعال مایه" بود و پنداشتی خودسرانه را بدنبال می‌آورد: (فان ذلک ادغال فی القلب، و منهکه للذین، و تقرب من الغیر) ۱ - فساد دل (تفسر خلق): پر واضح است که رابطه حاکم و محکوم، سلطه گرو تحت سلطه، فرمانده و فرمانبر، مستبد و شوراکر رابطه مستبد و مظلوم و مظلوم است و از دیدگاه مکتبی هرگز رابطه "سازش" و همزیستی بین آن که متصور نبوده خشمی مقدس در دل شما، مستضعفین علیه مستکبرین همواره نغله می‌کشد. ۲ - تزلزل دین انحراف از اصول مکتب: قبلاً اشاره شد که استکبار و خود - کامی به کفر می‌انجامد و کفر چیزی نیست جز پوشاندن طریق حق و حقیقت و انحراف از "جاده" و خط الله. و بنا بگفته قرآن و علی (ع) استکبار و کفر و کیش شخصیت، همانا به ضد عدل یا "ظلم" خواهد انجامید.



و السلام

بقیه از صفحه ۷

## بعثت اراهه تکامل

دکربار برده‌سایه‌ها میدرد و روزنی دربرای نور الهی باز میکند، از آن منبع لا یزال متشعلها برمی‌افروزد. با قلبهایی که اکنون به نور ایمان روشن گشته و با همان سلاح جهاد و زره فدائکاری و تقوی بر سپاه افتاده است. رهی بس دشوار و سخت که هرگام آن یک ابتلا است و مبارزه و جهاد که زندگی جز جهاد و مبارزه نیست و بعثت ضرورتی تاریخی، و ما میرویم تا عصر جدیدی را در زندگی و تاریخ بشر ایجاد کنیم. ما میرویم تا بعثت پیامبر بزرگ را دکربار در زندگی خویش تحقق بخشیم و پیام الهی وی را چراغ راه پرسنگلاخ خود بسوی جامعه توحیدی قرار دهیم و به نیروی ایمان بر اندیشه و عادات و رسوبات شرک فائق آئیم سالگرد بعثت پیامبر بزرگ یادآور رسالت تاریخی مؤمنان در پیکار و جهاد دائم با دشمن برون و درون است باشد که هدفها و سنت ها و بینش الهی این عظیم - ترین و خلاقترین بعثت تاریخ را چراغ راه بیداری و برانگیختگی و بعثت خویش را خوبش و جامعه در حال تحولمان وهمه انسانهای درمند و مستضعف جهان قرار دهیم.

آری انروز دیر نیست  
انتظرو! ایها الظفا! انا منتظرون  
والسلام



آیت الله سعیدی مندری که در زیر شکنجه شهید شد



آیت الله سعیدی مندری که در زیر شکنجه شهید شد

در سالهای پس از قیام ۱۵ خرداد، مساجد که در طول این قیام بصورت مراکز فعالی در حرکت بخشیده نوده مردم عمل کرده بودند، دیگر بار بواسطه اعمال فشار و اختناق از جانب رژیم، فاقد نیروی اثر گذارنده، آگاه کننده و قیام سازگشت. در چنین زمانی آیت الله سعیدی برای امامت جماعت مسجد موسی ابن جعفر واقع در خیابان غیانی به تهران آمد. او آن مکان را به پایگاهی برای شناساندن اصول مکتب و انسان سازی و مبارزه با رژیم تبدیل نمود. مردم نیازمند هدایت و خواستار آگاهی به آن پایگاه روی میآوردند بطوری که صحن و حرم مسجد همواره از جمعیت پر میگشت و چه بسیار انقلابیون مسلمان که بواسطه تعالیم حیات بخش و بویای اسلام بتوسط او جان تازه گرفتند و بیا خاستند. رژیم که دریافته بود آگاهی مردم از اسلام اصیل و شناخت نمونه ها و شخصیت های مکتب بزرگترین خطری است که او را تهدید میکند بنوطنه های بسیاری برای از بین بردن نفوذ و گسترش روشنگریهای آیت الله سعیدی دست زد و در این میان حتی از روحانی نمایانی که در مقابل جنایات و فساد رژیم سکوت کرده بودند کمک گرفت تا آنان، با رواج شایعه های بی اساس "اولا" هدف رژیم را برآورند و ثانیا "سکوت خود را توجیه نمایند.

هشدار به ملت ایران و نمایندگان مجلس شورا و خواهران و برادران دانشجوی مسلمان پیر و خط امام

بکت در من زندگی منعید سدانست و بیسن واسطه سارسن وآزادندگان از رندان رادر منزل سادهاش بدبرایی منگرد. آیت الله سعیدی مجاهدی آزاد اندیش بود. او با انگار سید جمال آسازار وجود اندشمی مانند دکتر سربعی بعنوان پیورده ندر نسل جوانی که زاینده انقلابند بسیار خوشحال بود. در اردیبهست ۴۹ هنگام اعلام ورود ۳۵ هزار سرمایه گذاران امریکائی که از با نفوذترین رؤسای کل بزرگترین شرکت های معروف بودند - واز آن جمله دیوید اکلتر، دیوید لیلیناتل، خراج بروره سد، اسکراستون سرمایه دار مشهور امریکائی- آیت الله سعیدی با درک عمق فاجعهای که در پیست این جریان کشور را نسوی وابستگی به وجه بیشر اقتصادی و فرهنگی و... است امریالیسم امریکا سوچ میداد اعلامندای بیخی بزبان عربی صادر نمود. آیت الله سعیدی بارها بزندان افتاد در حین مرتبه دستگیری، رژیم برای از بین بردن این مندر حقیقی از یک طرف، و ایجاد وحشت وترس در میان روحانیون مبارز از طرف دیگر او را دستگیر و روانه شکنجه خانه قزل قلعه ساخت و در چهار سنه ۲۰ خرداد ۴۹ آن عالم مجاهد مسئول را تحت وحشیانه ترین شکنجه ها به شهادت رساند.

تلگراف به برادر ابوعمار

بنام خدا برادر ابوعمار رئیس هیئت اجرائیه سازمان آزادیبخش فلسطین وفرمانده کل قوای انقلاب فلسطین انتخاب مجدد شما را به ریاست شورای مرکزی (فتح) تبریک می گوئیم. امیدواریم که نبرد مسلحانه و انقلابی خلق قهرمان فلسطین به قیادت آن برادر مبارز در راه آزاد کردن میهن اشغال شده از سلطه صهیونیسم به پیروزیهای درخشانتری ناآل آید. انقلاب ایران و انقلاب فلسطین دو بازوی نیرومند خلقهای مستضعفاند که هم اکنون گدای امپریالیسم را در میان سبقتارند. امید است که با تحقق پیام امام خمینی دایر بر تشکیل جبهه جهانی مستضعفان ما همه شاهد نابودی کامل نظام جهانی امپریالیسم و آزاد شدن همه سرزمینهای زیرسلطه و در راس آن فلسطین عزیز و قدس باشیم. ما این افتخار را داریم که شاهد ورود به عصر انقلابات مکتبی در دو میهن بزرگ اسلامی خویش هستیم. فلسطین و ایران ستاره های درخشان عصر انقلاب هستند. دوره ای که در آن عدالت و آزادی بر ظلم و اسارت پیروز خواهد شد. انقلاب مسلحانه خلق قهرمان فلسطین خاری است بر چشم امپریالیسم در منطقه و آنان انقلاب فلسطین را طلبیه نابودی سطره خود بخصوص بر منابع نفتی منطقه میدانند. تاکید مجدد شما برادران بر ضرورت و اصالت مبارزه مسلحانه برای رهایی از بندهای امپریالیسم و صهیونیسم درگ واقع بینانه و قاطعیت انقلابی فتح را به اثبات رسانید. خلقهای انقلابی منطقه در آرزوی پیروزی نهائی انقلاب فلسطین هستند.

وزیر امور خارجه امریکا کیست؟

انتصاب ادوموند ماسکی سناتور دموکرات ایالت مین (Main) بعنوان وزیر جدید خارجه امریکا بدینال استعفا ساروسوس کوشی در جهت کسب حمایت برای حیمی - کارتر در داخل و خارج امریکاست. ماسکی که سناتور شناخته شده ای در امریکاست، با مسائل سیاست خارجی امریکا - بطور خاص - درگیر نبوده و اکثر متحدین امریکا شناخت زیادی از او ندارند. اسرائیل یکی از متحدین امریکا از انتصاب ماسکی اظهار خوشبودی کرده و از او بعنوان "دوست اسرائیل" نام برده که در حقیقت (براستی) نیز دوست او میباشد. تجربه ماسکی در سیاست خارجی محدود به ۲ سال عضویت در کمیته روابط خارجی سنای امریکا (۷۴-۱۹۷۲) میشود. معهدا در طول این مدت اوچهره شناخته شده ای در حزب دموکرات بوده است که یکبار در انتخابات معاون ریاست جمهوری در سال ۱۹۶۸ (به اتفاق مک گاورن. م) شرکت داشته و یکبار نیز کوش ناموفقی برای نامزدی حزب دموکرات برای ریاست جمهوری در سال ۱۹۷۶ داشته است. در امریکا و مجلس سنا از ماسکی بعنوان یک "لیبرال" یاد می شود که بطور کلی خواهان توجه به برنامدهای اجتماعی و کاهش بودجه دفاعی است و از سیاست "دو تانگ" در رابطه با شوروی، حمایت میکند. اما علیرغم سنت لیبرالیسم امریکایی او نسبت به مسائل و مصائب مردم فلسطین بی اعتناست و قویا از سیاست های سرزمین اسرائیلی حمایت می کند و آنرا بعنوان متحد اصلی امریکا در خاورمیانه میداند. گاهی دوباره به سابقه آزایی که ماسکی در سنا نسبت به مردم فلسطین داده است، حمایت بلاشروط او را از اسرائیل مشخص میسازد. در سال ۱۹۷۸ از ۸ رای گیری در مورد سایل خاورمیانه ماسکی ۷ بار بنفع اسرائیل رای داده و در رای هشتم او موافقت کرد که امریکا به پناهندگان و آوارگان متحده فلسطینی ها کمک مالی کند. در سال ۱۹۷۹ سابقه آزایی او مشابه است. از میان ۷ رای مربوط به اختلافات اعراب و اسرائیل، او ۴ بار از موضع اسرائیل حمایت کرده است و یکبار دیگر برای کمک مالی به آوارگان رای داده و ۲ بار موضعی نگرانه است. در نتیجه امکان و احتمال بسیار کمی است که سیاست های ماسکی بتواند دورنمای تازه ای در سیاست امریکا نسبت به خاورمیانه ایجاد کند.

اعلامیه هواداران جنبش مسلمانان مبارز مشهد و اصفهان بمناسبت سالگرد قیام خونین ۱۵ خرداد

به مناسبت سالگرد قیام خونین ۱۵ خرداد از سوی هواداران جنبش مسلمانان مبارز در اصفهان اعلامیه ای انتشار یافت. در بخشی از اعلامیه پس از اشاره به حرکت انقلابی مردم به رهبری امام خمینی در خرداد ماه سال ۴۲، که برای مخالفت با اصلاحات امریکائی شال خائن صورت گرفت آمده است که: "در حالیکه خون شهیدان ۱۵ خرداد و دیگر شهدای انقلاب، ما را به مبارزه اصولی علیه امپریالیسم (سلطان بزرگ) و یابگام های داخلی میخواند، جریان های سازشکار مبارزه خلق با امپریالیسم را می خواهند به سازش بکشاند. به پاس حرمت شهیدان و وظیفه کتبی، مبارزه را تا نابودی سلطان بزرگ و پایگاههای داخلی آن ادامه میدهم، چرا که استوار نظام بوحیدی جز از طریق نابودی تمام مظاهر شرکالود امکان پذیر نیست.

سوء قصد به شهرداران نابلس ورام الله

سوء قصد به شهرداران نابلس ورام الله توسط ما موران امنیتی اسرائیل

پس از ترور ناجوانمردانه شهرداران نابلس ورام الله توسط صهیونیست های اشغالگر، اطلاعات جدیدی از چگونگی این سوء قصد کشف شد. رادبوی ارتش صهیونیست اعتراف کرد که وادخت حال برادران، بسام الشکمه شهردار نابلس و کریم خلف شهردار ورام الله بدلیل آن است که بمب های ساعتی که در ماشین منفجر شد دارای مواد سمی بودند. در اثر انفجار، پاهای برادر بسام الشکمه و یک پای برادر کریم خلف قطع شده است. خانواده شهردار نابلس با پیشنهاد بگین جنایتکار جهت بستری شدن و معالجه وی در بهترین بیمارستانهای اسرائیل بشدت مخالفت کردند و برادر الشکمه دیروز شهر مقاومت نابلس را بطرف عمان

باتشکیل محکمه

ایران برای شرکت در کنفرانس بررسی جنایات امریکا در ایران نمونه ای از این تلاش های سازشکارانه بود. اکنون تعیین سرنوشت جاسوسان امریکائی به مجلس شورای ملی واگذار گردیده است. و این یکی از مهمترین مسائل متعددی است که نمایندگان مجلس باید درباره آن نظر دهند. امام بارها در سخنرانی ها و بیانیه ها خواستار پس دادن شاه مخلوع و اموال به غصا برده شده اند و امت قهرمان ایران نیز طی تظاهرات برشور خود همواره با مشت گره کرده و شعارهای کوبنده ضد امپریالیستی همین خواست را تکرار کرده و خواهان محاکمه گروگانهای جاسوس و قطع کلیه وابستگی ها گشته اند. و دانشجویان مسلمان بیرو خط امام نیز طی بیامی برای مجلس خواهان تصمیم گیری قاطع درباره گروگانها بدون هیچگونه ترسی از تهدیدات

درخواست از هواداران و علاقمندان

جنبش مسلمانان مبارز به چند واحد مسکونی - مستقل یا آپارتمان اجارهای برای استفاده بعنوان مراکز پخش امت و نشریات دیگر جنبش احتیاج فوری دارد. از هواداران و علاقمندان که در این زمینه امکانات یا اطلاعاتی دارند تقاضا میشود با تلفنهای ۸۲۳۲۳۷ و ۸۲۳۲۳۸ ما را مطلع سازند. مناطق مورد نیاز - غرب، شرق و مرکز شهر.

امت نشریه جنبش مسلمانان مبارز سال دوم، شماره ۶۰ زیر نظر شورای نویسندگان خیابان بهار شمالی بخش خیابان نامجو ۸۲۳۲۳۸ - ۸۲۳۲۳۷

ایران برای شرکت در کنفرانس بررسی جنایات امریکا در ایران نمونه ای از این تلاش های سازشکارانه بود. اکنون تعیین سرنوشت جاسوسان امریکائی به مجلس شورای ملی واگذار گردیده است. و این یکی از مهمترین مسائل متعددی است که نمایندگان مجلس باید درباره آن نظر دهند. امام بارها در سخنرانی ها و بیانیه ها خواستار پس دادن شاه مخلوع و اموال به غصا برده شده اند و امت قهرمان ایران نیز طی تظاهرات برشور خود همواره با مشت گره کرده و شعارهای کوبنده ضد امپریالیستی همین خواست را تکرار کرده و خواهان محاکمه گروگانهای جاسوس و قطع کلیه وابستگی ها گشته اند. و دانشجویان مسلمان بیرو خط امام نیز طی بیامی برای مجلس خواهان تصمیم گیری قاطع درباره گروگانها بدون هیچگونه ترسی از تهدیدات